

عهد جدید: نسخهٔ مقدماتی

خدا

فرزند او، کتاب او، خانهٔ او

نویسنده: روت ب. گراینر

طراح: فرانسس ه. هرتسلر

طراح رایانه‌ای: اد اولسون

Translated into FARSI by

Shroder Yadegar

Editing and Proofread by

Sourik Saiad, Melena Shahverdian

مترجم: شرودر یادگار

ویراستاران: سوریک صیاد، ملنا شاه‌وردیان

©2009 Bible Visuals International

PO Box 153, Akron, PA 17501

Telephone: 717-859-1131 Fax: 717-859-4360

www.biblevisuals.org

درس اول

خدا

قسمت مورد مطالعه کلام: اول پادشاهان ۱۸: ۱۷-۳۹

هدف درس: به شاگردان کمک شود تا یگانه خدای زنده و حقیقی را بشناسند.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: خدا، خدایی زنده و حقیقی است که همه را دوست دارد.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: اشتیاق برای شناخت بیشتر خدا.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند: هنگامی که به درختان و حیوانات و مردم نگاه می‌کنند، درباره خدا که آفریننده تمامی این موجودات است تفکر کنند.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. بتها نمی‌توانند بشنوند و به دعاها جواب دهند (اول پادشاهان ۱۸: ۱۷-۳۵).
۲. خدای زنده دعاها را می‌شنود (اول پادشاهان ۱۸: ۳۶-۳۷).
۳. خدای زنده به دعا جواب می‌دهد (اول پادشاهان ۱۸: ۳۸-۳۹).
۴. خدای خالق خدایی ابدی، قدوس و مهربان است (پیدایش ۱: ۱-۳۱؛ مزمور ۹۰: ۲؛ لاویان ۱۱: ۴۴؛ اول یوحنا ۴: ۸، ۱۶).

قابل توجه معلم:

هنگام تدریس چهار درس ارائه شده در این کتاب، امیدواریم خود شما نیز از این دروس لذت ببرید.

قبل از مطالعه متن درس ذیل، لطفاً اول پادشاهان ۱۸: ۱۷-۳۹ را از روی کتاب مقدس خودتان بخوانید. وقتی این داستان برای شما زنده و ملموس شود، برای کسانی که به آنها تعلیم می‌دهید نیز داستانی زنده و پویا خواهد بود. سعی کنید تمامی آیات قید شده در دروس را به دقت بخوانید.

در هنگام تدریس هر چهار درس این کتاب، بر این آیه و مفهوم آن تاکید کنید:

«... به چه نوع شما از بتها به سوی خدا بازگشت کردید تا خدای حقیقی را بندگی نمایید.»

(اول تسالونیکیان ۱: ۹).

درس

آیا برای شما پیش آمده است که به چیزهای اطراف خودتان نگاه کنید و بپرسید: «اینها از کجا آمده‌اند؟ چطور این درختان، آسمان، آب، حیوانات و مردم به وجود آمده‌اند؟»

سؤال شما جواب ساده‌ای دارد: همه چیز بوسیله کسی آفریده شد که صاحب تمامی قدرت است. اسم او *خدا* است.

وقتی که ما به ساختمانی نگاه می‌کنیم، در می‌یابیم که شخصی نقشه‌اش را کشیده و آن را ساخته است. آیا امکان دارد که تمامی مصالح ساختمانی به هم جفت و جور شوند و یک خانه به خودی خود ساخته شود؟ به هیچ وجه امکان ندارد! به همین ترتیب، امکان ندارد که دنیا همینطوری درست شده باشد. خدا برای هر تکه از آن نقشه‌ای کشید، و در ابتدا، همه چیز کامل بود. خدا همه چیز را ساخت و همه دنیا را از هیچ چیز خلق کرد! او مردم تمام نقاط دنیا را خلق کرد. او است که به شما زندگی بخشیده است.

شاید با این سؤال شگفت زده شوید، پس چه کسی *خدا* را خلق کرد؟ *خدا* کی به وجود آمد؟

جواب این است: خدا همیشه بود. و همیشه خواهد بود (مزمور ۹۰: ۲). حتی اگر درک این موضوع برای شما ممکن نباشد، اما حقیقت دارد. زمانی که به انتهای این دروس برسید، خیلی بیشتر خدای زنده و حقیقی را خواهید شناخت. شما مطالبی را درباره فرزندش، کتابش و خانه‌اش، یعنی همان جایی که می‌خواهد با او زندگی کنید، خواهید آموخت. هر چند شاید نتوانیم این چیزها را درک کنیم، اما آنها را با ایمان می‌پذیریم. و اگر به آنها ایمان داشته باشیم، خدا ما را یاری خواهد داد تا شناخت بیشتری از او پیدا کنیم.

۱. بت‌ها نمی‌توانند بشنوند و یا

به دعاها جواب بدهند.

اول پادشاهان ۱۸: ۱۷-۳۵

بعضی مردم اعتقاد دارند که خورشید یک خدا است. گروهی دیگر عقیده دارند که ماه و ستاره‌ها خدا هستند (دوم پادشاهان ۲۳: ۵). در حالیکه بعضی دیگر معتقدند که می‌شود خدایی را از چوب یا سنگ، نقره و یا طلا ساخت (مزمور ۱۱۵: ۴-۸).

آیا این چیزها می‌توانند خدای زنده و حقیقی باشند؟ آیا خورشید قادر به شنیدن دعاهاست؟ آیا ماه یا ستارگان می‌توانند شما را ببینند و کمکتان کنند؟ نه!

شاید بت‌های چوبی و سنگی چشم داشته باشند، اما آنها نمی‌توانند شما را ببینند. خدایان ساخته شده از طلا و نقره شاید گوش داشته باشند، اما آنها نمی‌توانند صدای شما را بشنوند. دست‌های این بت‌ها نمی‌توانند حرکت کنند و به شما کمک کنند. چون این خدایان ساخته دست بشر هستند.

آیا شما یگانه خدایی را که قادر به دیدن شما است، می‌شناسید؟ کسی که می‌تواند بشنود و به شما کمک کند، تنها خدایی که شما را خلق کرده است؟ این درسها خدا را به ما معرفی خواهند کرد.

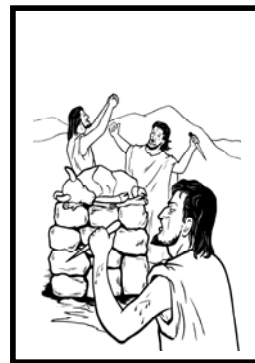
سالها پیش، خیلی وقت پیش، مردی بود به نام ایلیا. او در میان مردمی زندگی می‌کرد که خدای خودشان را می‌پرستیدند. آنان خدای خودشان را *بعل* می‌نامیدند. و اعتقاد داشتند که *بعل* می‌تواند به آنان کمک کند. اما ایلیا به *بعل* ایمان نداشت. او به خدای زنده و حقیقی ایمان داشت.

روزی ایلیا ۴۵۰ نفر از پیروان (انبیا) *بعل* را کنار هم جمع کرد. و به آنها گفت که مذبحی بسازیم و قربانی بگذرانیم. (یک مذبح اغلب از سنگهایی که روی هم قرار می‌گرفتند ساخته می‌شد و بالای آن چوب می‌گذاشتند. چون همیشه باید شخصی که گناه [کار خطایی انجام داده باشد] کرده است، مجازات شود. مجازات گناهکار مرگ است. در زمان ایلیا، خدا حیوان جایگزین را قبول می‌کرد. حیوان جانشین همان قربانی بود و جان او به عوض جان شخص گناهکار گرفته می‌شد.)

بعد از پیشنهاد ساختن مذبح به پیروان *بعل*، ایلیا در ادامه حرفهایش گفت، ما هیچ آتشی زیر قربانی روشن نمی‌کنیم. سپس شما *بعل* را صدا کنید و از او بخواهید تا برای سوزاندن قربانی، آتش بفرستد. بعد از آن، من خدا را صدا خواهم کرد تا آتش بفرستد. هر که آتش فرستاد خدای زنده و حقیقی است.

تصویر شماره ۱ را نشان دهید

مردم با این آزمون موافقت کردند. آنها گاو نری را روی مذبح گذاشتند. سپس به سوی خدایشان دعا کردند و از او خواستند که آتش بفرستد و قربانی را بسوزاند. «ای *بعل*، دعای ما را بشنو!» آنها گریه کردند. بر روی مذبح جست و خیز می‌کردند و با گریه و اشک از *بعل* می‌خواستند که دعای آنها را بشنود. با چاقو خودشان را زخمی کردند به این امید که خدای آنها به صدایشان گوش دهد. ساعت ها گذشت و آنها همچنان گریه و زاری می‌کردند. تمام روز فریاد زدند. حدود عصر صدایشان آنقدر گرفته بود که دیگر نمی‌توانستند گریه کنند. اما هیچ اتفاقی نیفتاد. خدایی که آنها ساخته بودند (*بعل*) صدایشان را نمی‌شنید.



حالا نوبت ایلیا بود. او دوازده سنگ برداشت و در نام خدا مذبحی ساخت. او بالای مذبح را به شکل گودال درآورد. مقداری چوب گذاشت، حیوان قربانی را به چند تکه تقسیم کرد و روی چوبها قرار داد. سپس با اقتدار دستور داد: «چهار خُم [سطل بزرگ] از آب پر کرده، آن را بر قربانی سوختنی و هیزم بریزید.» دستور او را بجا آوردند.

او دستور داد: «بار دیگر بکنید.» و آنها بار دیگر کردند. «بار سوم بکنید.» بدین ترتیب دوازده خُم پر از آب گرداگرد مذبح جاری شد و خندق نیز پر از آب شد. و دیگر هیچ آتش معمولی نمی‌توانست قربانی خیس شده را بسوزاند!

۲. خدای زنده دعا را می شنود.

اول پادشاهان ۱۸: ۳۶ - ۳۷

تصویر شماره ۲ را نشان دهید

سپس ایلیا به مذبح نزدیک شد. و دعا کرد: «ای یهوه خدا... امروز معلوم بشود که تو ... خدا هستی... مرا اجابت فرما ای خداوند! مرا اجابت فرما تا این قوم بدانند که تو یهوه خدا هستی...»



قابل توجه معلم:

اگر احساس کردید که بهتر است درس را در دو قسمت ارائه کنید تا شاگردان بهتر بتوانند آن را درک کنند، چنین کنید.

اگر با ایمان و اطمینان تدریس کنید، شاگردان متوجه خواهند شد که خدایی که به آن ایمان دارید همان یگانه خدای زنده و حقیقی است.

پیشنهاد می کنیم که همه بچه ها در دفترچه های خود (همراه داشتن دفترچه ضروری است) چهار نکته اصلی درس را یادداشت کنند. یا حتی می توان آنها را تشویق کرد که تصاویری مثل ۴ تا عکس شماره بخش ۴ را در دفترشان نقاشی کنند.

۳. خدای زنده به دعا جواب می دهد

اول پادشاهان ۱۸: ۳۸ - ۳۹

تصویر شماره ۳ را نشان دهید

فوراً آتشی از آسمان می افتد. و تمامی قربانی و چوب و سنگها و هر چه هست را می سوزاند و همه آبهای اطراف مذبح را در خود می بلعد! خدای زنده و حقیقی به دعا جواب داد.



وقتی پرستندگان بعل به چشم خود این را دیدند، با صورت به زمین افتادند و
(گریه کنان) فریاد زدند: «یهوه، او خداست! یهوه، او خداست!»
او بی شک خدای زنده و حقیقی است؛ کسی که وقتی با او صحبت (دعا) می‌کنید
می‌شنود، و کارهای شما را می‌بیند. اوست که شما را خلق کرد. و او شما را دوست دارد
و محبت می‌کند.

۴. خدای خالق، ابدی، قدوس و محبت است

پیدایش ۱: ۱-۳۱؛ مزمور ۹۰: ۲؛ لاویان ۱۱: ۴۴؛

۱ یوحنا ۴: ۸، ۱۶

چون او شما را دوست دارد، بهتر است شما نیز هر قدر که می‌توانید او را بشناسید. از درس امروز، چهار نکته را باید به یاد داشته باشیم. (البته نکات زیاد دیگری هم وجود دارند. اگر بدون غیبت سر کلاس حاضر شوید، موضوعات بسیاری در مورد خدا و چیزهای دیگر خواهید آموخت.) از آنجایی که قرار نیست شما این چیزها را فراموش نکنید پس چه بهتر که آنها را در دفترتان بنویسید. بدین ترتیب می‌توانید هر روز آنها را مرور کنید. و بعد می‌بینید که همه آنها را به یاد دارید. بعدها اگر خواستید درباره خدا به دیگران توضیحی دهید، می‌توانید بگویید که: (تساوی ۱ الی ۴ در پایان این بخش آمده است).

عکس شماره ۴ (۱) را نشان دهید

۱. خدا آفریننده است. (پیدایش باب ۱)

خدای زنده و حقیقی کسی است که این جهان، درختان، آسمان، آب و حیوانات را خلق نموده است. او خورشید و ماه و ستارگان را آفرید. خدا تمامی این چیزها را از هیچ به وجود آورد. او فرمود و شد. او آفریننده همه چیزها است.

عکس شماره ۴ (۲) را نشان دهید

۲. خدا ابدی است. (مزمور ۹۰: ۲)

ابدی به معنی بدون شروع یا پایان بودن است. (دایره درون این شکل بدون شروع و یا پایانی است. معلم عزیز هنگام گفتن این موضوع با انگشتان این را نشان دهید.) خدای زنده و حقیقی همیشه بوده است. و برای همیشه خواهد بود. قبل از خلق جهان، خدا بود. برای همیشه و همیشه و همیشه خدا خواهد بود. خدای آفریننده خدای ابدی است.

عکس شماره ۴ (۳) را نشان دهید

۳. خدا قدوس است. (لاویان ۱۱: ۴۴؛ اشعیا ۶: ۳، ۵۷: ۱۵، اول پطرس ۱: ۱۶)

وقتی که ما درباره خدا به عنوان وجودی قدوس صحبت می‌کنیم، منظورمان کامل بودن خدا است. (دایره سفید در مقابل زمینه سیاه به ما کمک می‌کند تا به یاد آوریم که خدا قدوس، پاک و کامل است.) چون خدا کامل است، او بدون گناه است. او هرگز مرتکب خطایی نشده است. خدا از گناه متنفر است. با این وجود، همه جا مردم به خطایا و گناه کردن ادامه می‌دهند. این نقشه خدا است که اگر قرار است مردم گناهکار بخشیده شوند، باید قربانی حاضر شود. چیزی و یا کسی به خاطر گناهان ما رنج کشیده، مجازات می‌شود. مجازات این شخص مرگ است.

عکس شماره ۴ (۴) را نشان دهید

۴. خدا محبت است. (اول یوحنا ۴: ۸، ۱۶)

خدای زنده و حقیقی که شما را آفرید، کسی که همیشه بود و خواهد بود، خدای کامل و قدوسی است که شما را دوست دارد! او با تمامی وجود دوستتان دارد. چون او می‌داند شما در گناه خواهید افتاد، برای شما نقشه‌ای ترتیب داد (خیلی، خیلی قبل از اینکه به دنیا بیایید) تا گناهتان بخشوده شود. او یکنفر را که پسر یگانه‌اش بود، فرستاد تا جریمه مرگ شما را پرداخت کند.

در دوران زندگی ایلیا، خدا حیوانی را به عنوان قربانی می‌پذیرفت. هزاران هزاران حیوان مردند تا جای شخص گناهکار را بگیرند. اما حالا دیگر به حیوان قربانی نیازی نیست. خدا دیگر حیوانی را برای قربانی شدن قبول نمی‌کند. پسر یگانه او، که در درس بعدی با او آشنا خواهیم شد، یکبار برای همیشه به جهت تمامی مردم جان خود را فدا کرد. اگر ما تنها به خدای زنده و حقیقی ایمان داشته باشیم، اگر تنها به اینکه پسر او مجازات گناه ما را بر خود گرفت، ایمان بیاوریم، گناهان ما بخشیده می‌شود. چرا خدای ابدی و قدوس باعث شد که پسرش بمیرد؟ چون خدا شما را دوست دارد. او خدا/ محبت است!

هنوز حقایق بسیار زیادی در مورد شناخت خدای زنده و حقیقی بجا مانده است. اما تا کلاس بعدی، این کار را انجام دهید: هر وقت که به گل یا درختی نگاه می‌کنید، خورشید، ستارگان و ماه، به خودتان بگویید: «خدا اینها را آفریده است. قبل از اینکه دریاچه و یا حتی انسانی وجود داشت، خدا بود. خدا همیشه خواهد بود. خدا کامل است. من مرتکب کارهای اشتباهی شده‌ام. این بدین معنی است که من یک گناهکار هستم. و خدا از گناه متنفر است. اما خدا محبت است. خدا مرا دوست دارد. او پسر خود را داد تا به جای من بمیرد.»

این جملات را بارها و بارها تکرار کنید. سپس، در درس بعدی، ما درباره پسر خدا کسی که به جای ما مجازات مرگ را بر خود گرفت، چیزهایی خواهیم آموخت.



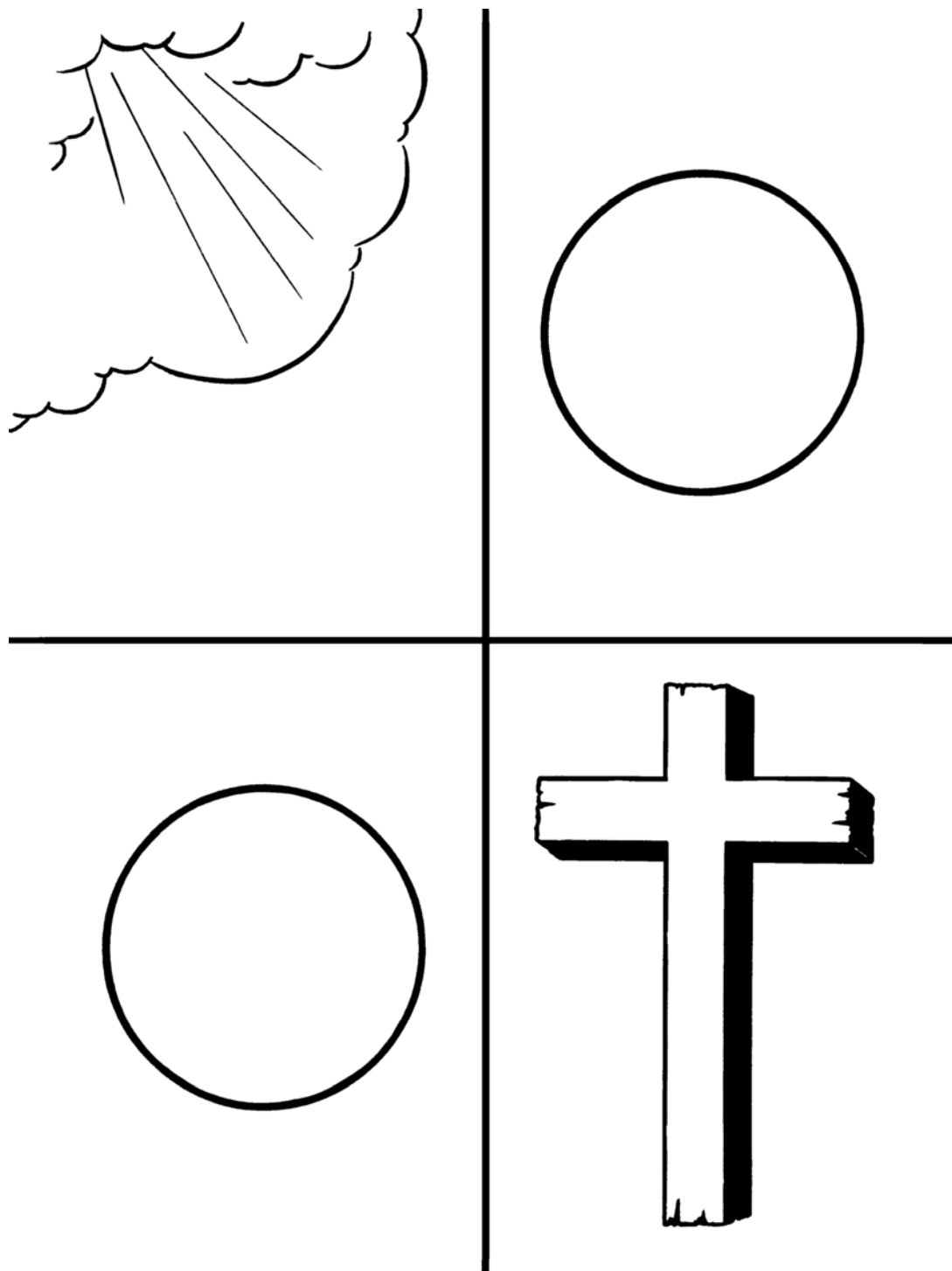
درس ۱: تصویر شماره ۱



درس ۱: تصویر شماره ۲



درس ۱: تصویر شماره ۳



درس ۱: تصویر شماره ۴

درس دوم

پسر خدا

قسمت مورد مطالعه کلام: تمامی آیات اشاره شده در متن درس.

هدف درس: عیسی مسیح پسر خدا، به خاطر محبت عظیمش، مجازات گناهان ما را بر خود گرفت.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: عیسی مسیح آنها را دوست دارد و به خاطر گناهان آنان مرد.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: قلبی سپاسگزار به خاطر محبت او.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند: در طول هفته برای خودشان تکرار کنند: «خداوند عیسی، پسر خدا، مرا

دوست دارد. او به خاطر من مرد. و از من می‌خواهد که به او ایمان بیاورم و او را بپذیرم.»

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. پسر خدا مثل یک طفل به زمین آمد (لوقا ۲: ۱-۱۲).
۲. پسر خدا مرد، او تمام گناهان ما را بر خود گرفت (اول پطرس ۲: ۲۴).
۳. مسیح با قیام خود از میان مردگان، ثابت کرد که فرزند خدا است (اول قرنتیان ۱۵: ۳-۴).
۴. مسیح به آسمان صعود کرد تا با خدای پدر باشد (اعمال ۱: ۹-۱۱).

قابل توجه معلم:

یکی از مهمترین اصول تعلیم این است:

مرور، مرور، مرور

این قانون به خصوص وقتی حقایق کلام خدا تعلیم داده می‌شوند بسیار ضروری است. شاید اهمیت آن در همه دروس و به خصوص در این دروس که برای شاگردان شما شنیدن این حقایق تازگی دارند. و این کافی نیست که دروس را به سادگی برای آنها تعریف کنید. شاگردان باید آنچه را که شما تعلیم می‌دهید، درک کنند. فراموش نکنید که شما درس نمی‌دهید؛ بلکه به مردم تعلیم می‌دهید. به آنها فرصت بدهید تا در هنگام درس، سؤالاتشان را مطرح کنند. اگر به وقت بیشتری نیاز بود، درس را به دو قسمت تقسیم کنید. معلم عزیز، اجازه بدهید که کتاب و پیغام پر جلال آن شما را نیز در بر بگیرد! بدین ترتیب اثر آن بر شاگردان نیز به جای می‌ماند.

قبل از شروع کلاس، این آیه را بر روی تخته بنویسید:

«... به چه نوع شما از بتها به سوی خدا بازگشت کردید تا خدای حی حقیقی را بندگی نمایید.»

(اول تسالونیکیان ۱: ۹)

درس

در درس گذشته، شما درباره خدا فکر کردید. وقتی به درختان و حیوانات نگاه می‌کنید، به او یاد او بودید و به او فکر کردید. فکرهای شما این گونه بود:

خدا همه این چیزها را خلق کرده است. او آفریننده است.

خدا ابدی است. او همیشه بود. او همیشه خواهد بود.

خدا قدوس است. در او هیچ گناهی یافت نمی‌شود. او از گناه (خطایا و اشتباهات انسانها) متنفر است.

خدا محبت است. خدا مرا دوست دارد!

همانطور که در مورد این چیزها فکر کردید، شاید با خود گفته باشید که خدا شبیه چیست؟ خدا کجاست؟ چگونه می‌توانم بیشتر در مورد او بدانم؟ درس امروز ما به شما کمک خواهد کرد تا جواب این سئوالات را بیابید.

۱. پسر خدا مثل یک طفل به زمین آمد

لوقا ۲: ۱-۱۲

تصویر شماره ۵ را نشان دهید

خدا می‌دانست که شما درباره او از خود سئوالاتی خواهید پرسید. او می‌دانست که ایمان به کسی که او را ندیده باشید برایتان کار دشواری خواهد بود (یوحنا ۱: ۱۸). روزی (بیش از ۲۰۰۰ سال پیش) خدا فرزندش را به این جهان فرستاد. اسم او خداوند عیسای مسیح است. وقتی او بر روی زمین بود، عیسای خداوند فرمود: «کسی که مرا دید، پدر (خدا) را دیده است» (یوحنا ۱۴: ۹). از آنجایی که پسر خدا سالهای زیادی را بر روی زمین زندگی کرد (۳۳ سال)، مردم بسیاری او را دیدند. خدا خواست که این اتفاقات در کتاب مقدس نوشته و حفظ بشوند. این نوشته‌ها به ما درباره خدا و پسر او، خداوند عیسای مسیح، سخن می‌گویند. (ما در درس بعد درباره این کتاب چیزهای بیشتری یاد خواهیم کرد).



از آنجایی که پسر خدا شبیه خدای پدر است، شما قبلاً ۴ حقیقت را در مورد پسر خدا یاد گرفته‌اید. آن چهار اصل را نام ببرید؟

مانند خدای پدر، پسر خدا نیز آفریننده همه چیزها است. به ما گفته شده است: «همه چیز به واسطه او (پسر خدا) آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت» (یوحنا ۱: ۳).

خدای پدر در مورد پسرش گفته است: «تو ای خداوند، در ابتدا زمین را بنا کردی و افلاک مصنوع دست های تو است» (عبرانیان ۱: ۱۰).

به ما گفته شده که پسر خدا، «و او صورت خدای نادیده است... زیرا که در او (پسر خدا) همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه در زمین است... همه بوسیله او و برای او آفریده شد. و او قبل از همه است...» (کولسیان ۱: ۱۵-۱۷). این آیات به ما کمک می کنند تا بدانیم، مانند خدای پدر، پسر خدا نیز ابدی است. او همیشه بود؛ او همیشه خواهد بود. خدا و پسرش، خداوند عیسی مسیح، قبل از اینکه اصلاً جهانی خلق شده باشد با هم بودند.

نه تنها خداوند عیسی مسیح آفریننده است، نه تنها او ابدی است، بلکه او در یک چیز دیگر هم مانند خدا است: او قدوس است. (لوقا ۱: ۳۵؛ رومیان ۱: ۴ را بخوانید). هرگز و هرگز عیسی خداوند کار و یا حرف و یا فکر اشتباهی نکرد. (دوم قرنتیان ۵: ۲۱؛ اول پطرس ۲: ۲۲ را بخوانید). او کامل است. بنابراین او نیز مانند پدرش، از چیزهای اشتباه (گناهان) که مردم انجام می دهند، متنفر است.

تا اینجا، شما حتماً چهارمین ویژگی را به یاد آورده اید که خداوند عیسی مانند خدا است. خداوند عیسی شما را دوست دارد. (دوم قرنتیان ۵: ۱۴؛ اول یوحنا ۴: ۱۹؛ مکاشفه ۱: ۵ را بخوانید). او به طریقی عجیب، محبت خود را به ما ثابت کرد. وقتی که بدانید او چه کاری انجام داد، او را با تمام قلبتان دوست خواهید داشت.

هنگامی که عیسی مسیح خداوند، خانه و پدر آسمانی اش را ترک کرد، مثل یک کودک به زمین آمد. اینکه چگونه آمد یک معجزه بود. (ما درباره این موضوع در دروس بعدی بیشتر یاد خواهیم گرفت). برای اینکه مردم فکر نکنند که این یک کودک معمولی است که به دنیا آمده، خدا آسمانها را باز کرد و فرشتگان (که خادمین خدا در آسمان ها هستند) اعلام کردند که پسر خدا به دنیا آمد.

بعدها، وقتی که عیسی خداوند بزرگتر شد، خدا بار دیگر آسمان ها را گشود. و خدا خودش به فرزندش گفت: «این است پسر حبیب من که از او خشنودم» (متی ۳: ۱۷). زمان دیگری خدا از میان یک ابر صحبت کرد و فرمود: «این است پسر حبیب من که از وی خشنودم. او را بشنوید!» (متی ۱۷: ۵).

خداوند عیسی فرمود: «من و پدر یک هستیم» (یوحنا ۱۰: ۳۰). عیسی با سخنان شگفت آوری که بر زبان می آورد و معجزاتی که انجام می داد، ثابت کرد که او و پدر یکی هستند. او کارهای بسیاری انجام داد، اگر همه آنها نوشته می شدند، حتی همه کتابهای جهان هم گنجایش همه کارهای او را نداشتند! (یوحنا ۲۱: ۲۵). ما در این دروس درباره عیسی بیشتر می آموزیم. ما خواهیم آموخت که چگونه عیسی با دستور دادن به باد، طوفانی را متوقف می کند. او مرد نابینایی را تنها با گفتن یک جمله شفا داد. و بیماران بسیاری را شفا بخشید. بیشتر از یک بار مردگان را زنده کرد و آنها را دوباره به زندگی برگرداند! او چگونه این کارها را انجام می داد؟ او به سادگی سخن گفت و کلام او انجام می شد.

چرا عیسی خداوند خانه و پدر آسمانی اش را ترک کرد؟ زیرا خدا می خواست خود را به ما بشناساند.

۲. پسر خدا مرد،

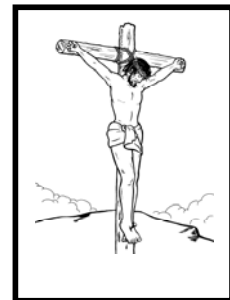
و گناهان همه ما را بر خود گرفت.

اول پطرس ۲: ۲۴

اما در اینجا دلیل دیگری هم وجود دارد که فرزند خدا بر روی زمین آمد. وقتی اولین مرد و زن بوسیله خدا خلق شدند و بر روی زمین ساکن شدند، خدا میخواست با محبت به آنها و اطاعت و محبت آنها به خدا شاد شود. هر چند که این روشی از ابتدا چنین بود، اما انگار برای مدتی طولانی دوام نیاورد. خیلی زود مرد و زن تصمیم گرفتند که به راه خودشان بروند. آنها از اطاعت از فرمان خدا سرپیچی کردند. وقتی به جای راه خدا به راه خودتان بروید، مرتکب گناه می شوید، درست مثل آدم و حوا و هر شخصی دیگری که به راه خودش رفته است. این گناه ما را از خدا جدا می کند. به خاطر این گناه، ما از خدا می ترسیم. اما این خدای قدوس ما را دوست دارد. حتی با اینکه از گناهان ما متنفر است (امثال سلیمان ۶: ۱۶-۱۹)، ولی ما را دوست دارد. پس برای انسان راهی آماده کرد تا گناهایش بخشیده شود. او تنها فرزند بی عیب و نقصش، خداوند عیسای مسیح را به زمین فرستاد تا به ما نشان دهد که خدا چگونه است. پسر خدا روش زندگی را به ما نشان داد.

تصویر شماره ۶ را نشان دهید

و سپس عیسای خداوند مرد. اما مرگ او متفاوت بود. شما به یاد دارید که قبل از این اتفاق، خدا از هر شخصی میخواست که حیوانی بیاورد تا مجازات گناهانش را بپردازد. مجازات گناه مرگ بود. خدا اجازه داده بود تا حیوانی به جای شخصی که مرتکب گناه شده بود، مجازات شود. اگر چه خدا برای سالیان بسیار، قربانی حیوانات را می پذیرفت، اما آن قربانی هرگز قادر نبودند برای همیشه گناهان را پاک کنند. هر بار که شخص گناه می کرد، حیوان دیگری باید قربانی می شد.



هنگامی که پسر خدا مرد، یک مرتبه و برای همیشه گناه تمام جهان را بر خود گرفت (یوحنا ۳: ۱۶؛ عبرانیان ۱۰: ۱۱، ۱۲). او بره (قربانی) خدا بود (یوحنا ۱: ۲۹، ۳۶). تمام گناهان تو را بر خود گرفت (اول پطرس ۲: ۲۴). او می توانست این کار را انجام دهد چون پسر خدا بود. او نه تنها برای این به زمین آمد تا نشان دهد که خدا چگونه است بلکه برای این آمد تا برای تو بمیرد ... برای من ... و برای هر کسی که بعدها به دنیا خواهد آمد. او مجازاتی را که ما سزاوار آن بودیم بر خود گرفت.

۳. مسیح با قیام از میان مردگان

اثبات کرد که پسر خدا است.

اول قرن‌تیاں ۱۵: ۳-۴

تصویر شماره ۷ را نشان دهید

چگونه می‌توانیم بدانیم که عیسی پسر خدا است؟ چون او برای همیشه نمرد. او دوباره برخاست! (اول قرن‌تیاں ۱۵: ۳، ۴). و به کسانی که او را می‌شناختند دستور داد تا درباره او به دیگران بگویند (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). و به این دلیل است که ما این دروس را تهیه کرده‌ایم. من می‌خواهم بدانی که خداوند عیسی مسیح پسر خدا است. او تو را دوست دارد و به قدری تو را دوست دارد که خدای پدر زیباییهای آسمان را ترک کرد و به زمین آمد و در آن زندگی کرد. سپس او مرد؛ برای تو مرد. از آنجایی که پسر خدا است، مرگ نتوانست او را برای همیشه نگه دارد. او برخاست و از مردگان قیام کرد.



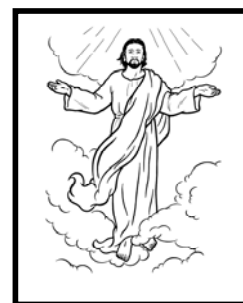
۴. مسیح در میان ابرها به آسمان رفت

تا با خدای پدر باشد

اعمال ۱: ۹-۱۱

تصویر شماره ۸ را نشان دهید

بعد از قیام او، عیسی‌ای خداوند در میان ابرها به آسمان صعود کرد. او در آنجا با خدای پدر است. در همین لحظه، او منتظر توست تا به او ایمان بیاوری. به چه چیزی باید ایمان بیاوری؟ ایمان بیاور که عیسی‌ای مسیح خداوند، فرزند خدا است. ایمان بیاور وقتی که او مرد، جریمه گناهان تو را پرداخت کرد. «آن که به پسر ایمان آورده باشد حیات جاودانی دارد و آن که به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید بلکه غضب خدا بر او می‌ماند» (یوحنا ۳: ۳۶).

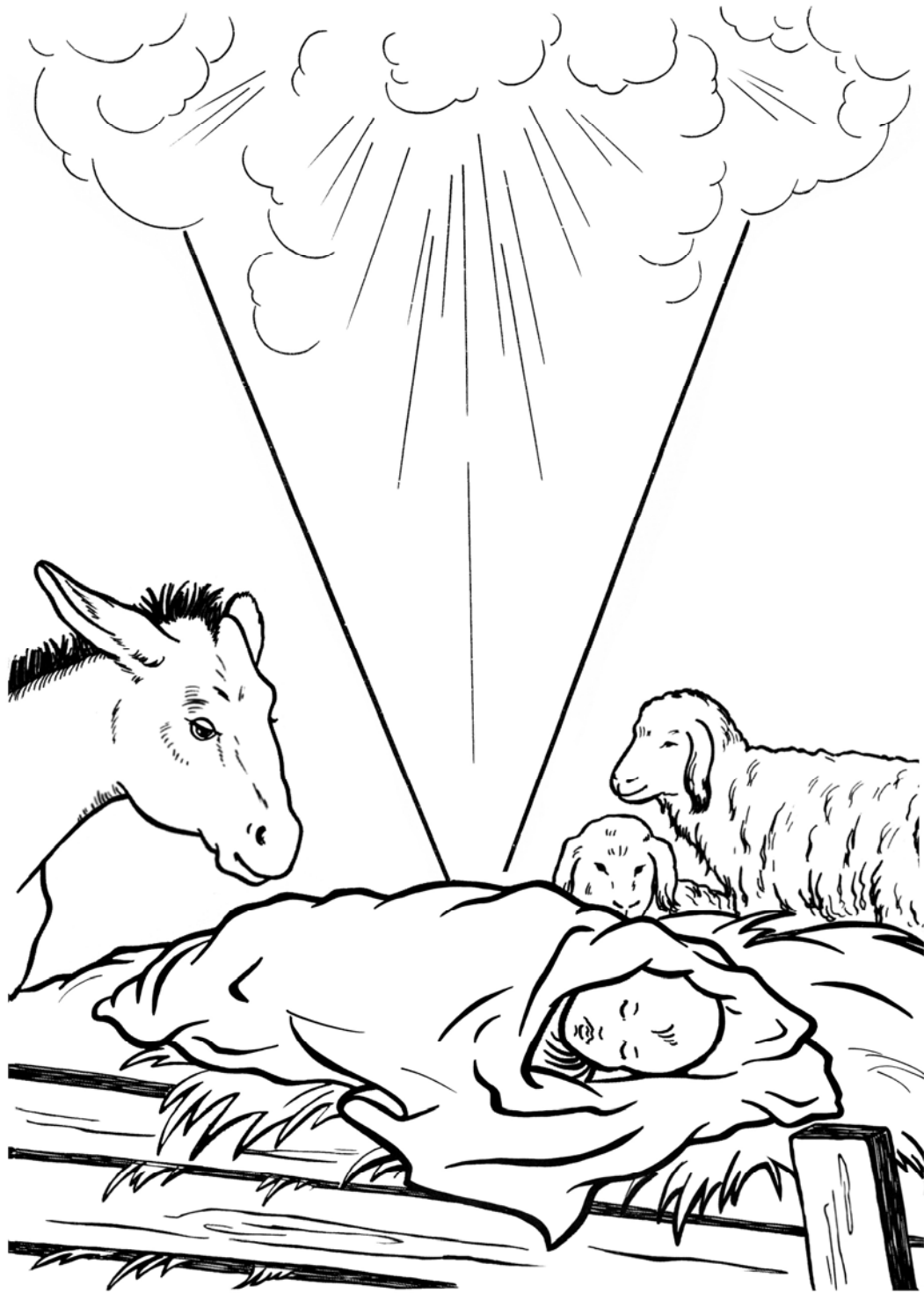


آیا تو ایمان داری که عیسی‌ای خداوند، پسر خدا است؟ آیا ایمان داری که تو را دوست دارد؟ او محبت خود را با مرگش به خاطر تو ثابت می‌کند. عیسی‌ای مسیح از تو نمی‌خواهد که همه این چیزها را درک کنی. بلکه می‌گوید باید به این چیزها ایمان بیاورید. او از تو می‌خواهد که از بتها به سوی خدای زنده و حقیقی برگردی.

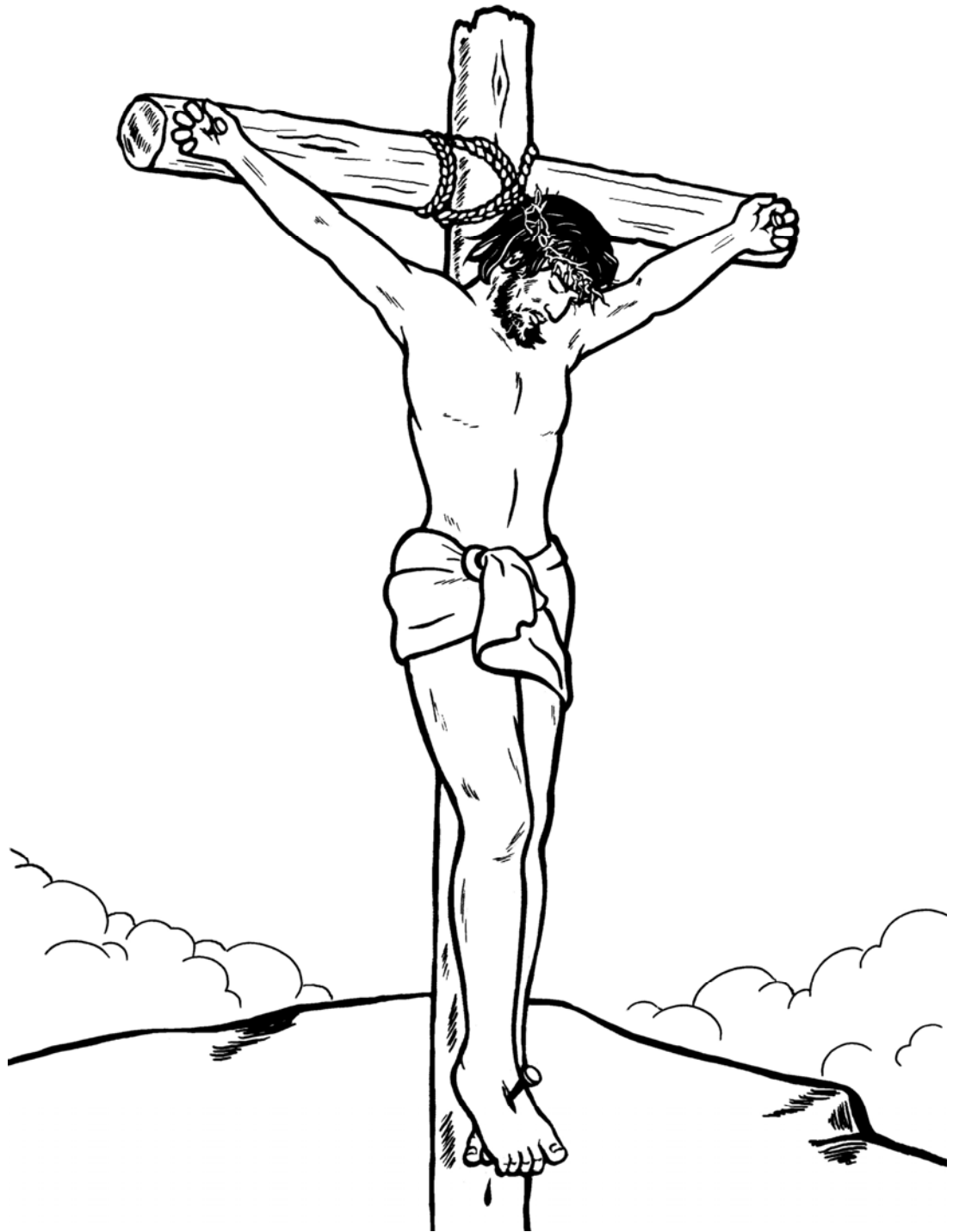
از کجا بدانیم که همه این حرف‌ها حقیقت دارد؟ زیرا خدای جاودانی کاری کرد که همه این چیزها در کتابی نوشته شوند. این کتاب (کتاب مقدس) توضیح می‌دهد که خدا کیست. پسر او را به ما معرفی می‌کند، کسی که از طرف خدا به جهان آمد. کتاب مقدس در این مورد خیلی خیلی صحبت می‌کند. در درس بعدی، ما چیزهایی در مورد این کتاب یاد خواهیم گرفت. قبل از اینکه به درس بعدی برسیم، با خودتان این حقیقت عالی را تکرار کنید: «عیسای خداوند، پسر خدا، مرا دوست دارد. او به خاطر من مرد. و از من می‌خواهد که به او ایمان بیاورم.»

قابل توجه معلم:

طومار کتاب مقدس چاپ شده بر روی جلد این کتاب، آیه اشعیا ۶:۵۳ به زبان عبری است.

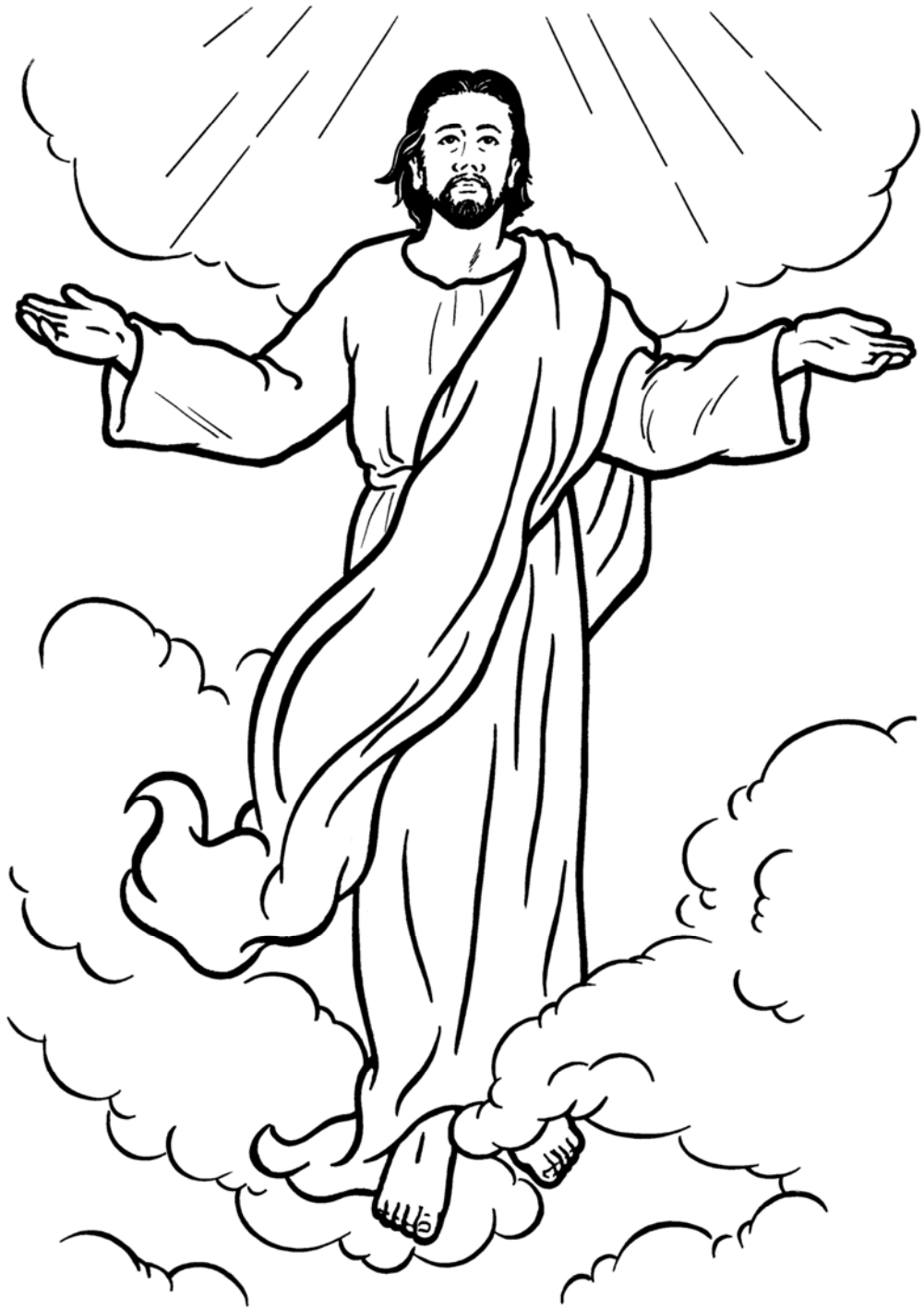


درس ۲: تصویر شماره ۱



درس ۲: تصویر شماره ۲





درس ۲: تصویر شماره ۴

درس سوم

کتاب خدا

قسمت مورد مطالعه کلام: تمامی آیات اشاره شده در متن درس.
هدف درس: معرفی کتاب مقدس به عنوان کلام حقیقی و زنده خدا.
آنچه شاگردان شما باید بدانند: کتاب مقدس نوشته شده است تا ایمان بیاوریم که عیسی، مسیح و پسر خدا است، و با این ایمان، ما در نام او حیات داریم (یوحنا ۲۰: ۳۱).
آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: اشتیاق شدید برای یادگیری آنچه کتاب مقدس به ما می گوید.
آنچه شاگردان شما باید انجام دهند: آیات اشاره شده را بخوانند: پیدایش ۱: ۱؛ اول پطرس ۱: ۱۶؛ اول یوحنا ۴: ۸؛ یوحنا ۳: ۱۶ (اگر کسی کتاب مقدس ندارد، لطفاً آیات را برای ایشان بنویسید).

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. چگونه کتاب مقدس ما کتاب خداست؟ (دوم پطرس ۱: ۲۱).
۲. کتاب خدا فراموش می شود (دوم تواریخ ۳۴: ۱-۷).
۳. کتاب خدا پیدا می شود (دوم تواریخ ۳۴: ۸-۱۵).
۴. از کتاب خدا باید اطاعت کرد (دوم تواریخ ۳۴: ۱۶-۳۲).

قابل توجه معلم:

در صورت امکان، همه شاگردان باید یادداشت برداری کنند، حتی اگر این یادداشت بسیار ساده باشند. همه نکات اصلی هر درس باید نوشته شوند. توصیه می شود شاگردان - چه حاضر و چه غایب - بهتر است برای درک بهتر دروس با تصاویر درس را به خاطر بسپارند تا بتوانند درس را به دیگران نیز بازگو کنند.

گفته می شود یادآوری و به خاطر سپاری آنچه می شنویم همراه با مشاهده پنج برابر تقویت می شود. و یادآوری آنچه انجام می دهیم ده برابر بیش از صرف شنیدن و مشاهده است. بنابراین، یادداشت برداری امری بسیار مهم است.

قبل از تدریس، به طور کامل آیه حفظی را به طور کامل تشریح کنید. اول تسالونیکیان ۱:

درس

آیا در مورد دو درس قبل فکر کرده‌اید؟ مطمئنم که این کار را کرده‌اید. احتمالاً هر روز با خودتان این جملات را تکرار کرده باشید:

- (۱) خدا آفریننده همه چیزهاست... پسر خدا آفریننده همه چیزهاست.
- (۲) خدا جاودانی است. او همیشه بود. همیشه خواهد بود... پسر خدا جاودانی است.
- (۳) خدا قدوس است. در او هیچ گناهی نیست... پسر خدا قدوس است و از گناه متنفر است.
- (۴) خدا محبت است. او مرا دوست دارد... پسر خدا مرا دوست دارد. او با مرگش به خاطر گناه من این را ثابت می‌کند.

این جملات ممکن است سوالی در ذهن شما بوجود بیاورد: آیا دو تا خدا وجود دارند، خدای پدر و خدای پسر؟
نه! به طریقی بسیار شگفت انگیز (که تنها خدا می‌تواند آن را درک کند یا بفهمد)، خدای پدر و خدای پسر یک خدا هستند. درک این موضوع برای ما سخت است. اما لازم نیست که آن را بفهمیم. خدا از ما می‌خواهد به ایمان بپذیریم.

۱. چگونه کتاب مقدس ما کتاب خداست؟

۲ پطرس ۱: ۲۱

شاید فکر کنید و بگویید از کجا بدانیم که این چیزها حقیقت دارند؟
پاسخ سوال این است که: خدا این چیزها را در کتابش به ما گفته است. و حالا ما درباره این کتاب می‌خواهیم بیشتر بدانیم.

من در دستم کتاب خدا را دارم. نام این کتاب، کتاب مقدس است. اغلب به آن کلام خدا هم گفته می‌شود. امکان دارد حرفهایی را که می‌شنویم بعد از مدتی فراموش کنیم. پس اگر خدا این حرفها را زده است، امکان فراموش کردن آنها هم وجود دارد. اما سخنان خدا بسیار اهمیت دارند، و چیزهای زیادی است که او می‌خواهد آنها را بدانیم، به همین خاطر او کاری کرد که کلام او نوشته شود.

تصویر شماره ۹ را نشان دهید

اگر خدا این قدرت را داشت که خورشید و درختان و حیوانات و مردم را بیافریند، می‌توانست یک کتاب هم خلق کند. اما او این کار را نکرد. در عوض، او با مردمی معمولی که به او ایمان داشتند، سخن گفت، و از آنها خواست که سخنان او را بنویسند. در یک دوره، کلام خدا بر لوح‌های سنگی به رشته تحریر درآمد (نوشته بالایی را نشان دهید) (خروج ۲۴: ۱۲-۱۸؛ ۳۱: ۱۸؛ ۳۴: ۱، ۲۷-۲۹؛ تثنیه ۱۰: ۱-۴).



بعدها، کلام خدا بر روی طومارها نوشته شد. (تصویر وسط را نشان دهید). امروزه، آن سخنان در کتابهایی جمع آوری شده است که یکی از آنها در دست من است (عکس پایینی را نشان دهید).

در این کتاب، ۶۶ کتاب کنار هم گذاشته شده‌اند. هر کدام نام متفاوتی دارد. این ۶۶ کتاب توسط نویسندگان مختلفی نوشته شده‌اند. حدود ۱۵۰۰ سال طول کشید تا همه این کتابها نوشته شدند. بعضی از این افراد هرگز یکدیگر را نمی‌شناختند. این نویسندگان به سه زبان این کتابها را نوشتند. با این حال، این نوشته‌ها پیغام خدا خطاب به تمامی مردم در همه عصرها بوده است. ۳۹ کتاب اول، قبل از آمدن مسیح به این جهان، نوشته شده بودند که به آنها کتابهای عهد عتیق می‌گویند. ۲۷ کتاب باقیمانده بعد از به دنیا آمدن مسیح به رشته تحریر درآمدند. که به عهد جدید معروف هستند.

بعضی از نویسندگان این کتابها، پادشاه بودند، بعضی دیگر افراد بسیار معمولی! و عده‌ای دیگر شغلشان خیمه دوزی بوده است. اما خدا اجازه نداد که این ۴۰ نویسنده مرتکب اشتباه شوند. خدا فکرهای خود را در هر یک از این افراد قرار داد. او به آنها قدرت خاصی بخشید که بوسیله آن توانستند درست آن چیزی را بنویسند که خدا از آنان می‌خواست. او باعث شد که این نویسندگان تمامی چیزهایی که خدا می‌خواست آنها را بدانیم، بنویسند. در تمامی دنیا هیچ کتابی پیدا نمی‌شود که به چنین طرزى شکل گرفته باشد. کتاب خدا تنها کتاب کامل جهان است.

۲. کتاب خدا فراموش می‌شود.

۲ تواریخ ۳۴: ۱-۷

امروز تقریباً هر کسی می‌تواند یک نسخه از کتاب مقدس را تهیه کند. اما در گذشته چنین امکانی نبود. تنها یک نسخه از کلام خدا بر روی سنگ یا طومار نوشته می‌شد و از آن کتاب در مکانی مطمئن (خانه خدا) نگهداری می‌کردند. یک بار، زمانی که فقط ۵ کتاب اول کتاب مقدس نوشته شده بودند (۵ کتاب موسی)، مردم کتاب خدا را از یاد بردند.

اتفاقی که افتاد این بود که زنان و مردانی که خدای زنده و حقیقی را می‌پرستیدند از او برگشتند و به سوی پرستش بتها رفتند. آنان بتهایی از چوب، سنگ و طلا و نقره ساختند و در برابر آنها سجده و خطاب به آنها دعا

می‌کردند. آیا این خدایان می‌توانستند این مردم را ببینند و یا دعاهایشان را بشنوند؟ نه، آنها نمی‌توانستند! و چون مردم به طرف این خدایان و بت‌ها برگشتند، دیگر به خانه خدا نمی‌رفتند تا او را بپرستند. بنابراین، طولی نکشید که ساختمان خانه خدا که تنها مکان پرستش خدای زنده و حقیقی بود شروع به نابودی کرد.

مرد جوانی که پادشاه آن سرزمین شده بود می‌دانست که پرستیدن بتها کار اشتباهی است. پدر او این کار را کرده بود. پدر بزرگ او هم این کار را کرده بود. اما او (یوشیا) تصمیم گرفت در اولین فرصت ممکن همه بتها را خراب و نابود کند. او می‌خواست که مردم سرزمینش بتها را ترک کنند و خدای زنده و حقیقی را بپرستند.

تصویر شماره ۱۰ را نشان دهید.

پس اولین کاری که یوشیا انجام داد این بود که به افرادش دستور داد تمامی بتها و مکان پرستش آنها را خراب کنند. حتی یکی هم سالم باقی نماند!



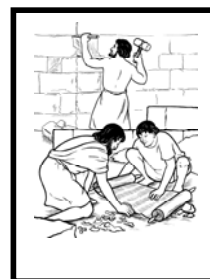
۳. کتاب خدا پیدا شد

دوم تواریخ ۳۴: ۸-۱۵

بعد از این کارها، یوشیای پادشاه، دستور بازسازی هیکل را داد ساختمانی که برای پرستش خدای زنده و حقیقی به کار می‌رفت. کارگران با تمامی وجود آنجا را تعمیر، تمیز و آماده کردند.

تصویر شماره ۱۱ را نشان دهید.

ناگهان یکی از آنان چیزی را پیدا کرد که برای مدت مدیدی گم شده بود و مردم آن را به کلی فراموش کرده بودند. چیزی که پیدا شده بود نسخه‌ای از کلام خدا بود (کتاب قانونی)!



معلم گرامی:

اگر بچه‌های کلاستان قادر به خواندن هستند (و اگر شما کتاب مقدسی به زبان قومی خود دارید)، از آنها بخواهید تا آیات این قسمت را خودشان بخوانند. و اگر تعداد بچه‌ها زیادتر از حدی است که همه بتوانند از کتاب مقدس شما بخوانند، قسمت مورد نظر از کتاب مقدس را برایشان تهیه کنید، یا بر روی تخته بنویسید و حتی در صورت لزوم، بر روی زمین بنویسید! بگذارید که این کتاب زنده خودش صحبت کند!

۴. از کتاب خدا باید اطاعت کرد.

دوم تواریخ ۳۴: ۱۶-۲۳

تصویر شماره ۱۲ را نشان دهید.

آنها با عجله کلام خدا را به نزد پادشاه بردند. او، آنچه را که حالا شما می‌دانید، شنید: خدا آفریننده همه چیز است. او دانست که خدای ابدی قدوس است و از گناه متنفر است. او با چشمهای خودش همان چیزهایی را خواند و فهمید که با کارهایی که انجام داده است به جای ایمان به خدایی زنده و حقیقی و دعا به سوی بتها رفته و مرتکب گناه شده است. او فهمید که خدا، خدای محبت است.



پادشاه همه را، از کوچک و بزرگ به نزد خود فراخواند. و کلام خدا را برایشان خواند. و در حضور همه آنان قول داد که خدای زنده و حقیقی را خدمت کند و کلمات این کتاب را اطاعت نماید. و آن روز، همه مردم همین قول را دادند. و چون مردم از بتها به طرف خدای زنده و حقیقی برگشتند، خدای قدوس و با محبت گناهان ایشان را آمرزید. (معلم: همه این مطالب را در ۲ پادشاهان ۲۲ و ۲۳: ۱-۳ و دوم تواریخ ۳۴ می‌توانید بخوانید). اگر شما هم مثل این پادشاه جوان، درباره محبت خدا بدانید و از کلام او اطاعت کنید، بسیاری به شما نگاه کرده همان کار را خواهند کرد.

چرا من ایمان دارم که کتاب خدا کلام حقیقی خدا است؟ بگذارید تا به شما بگویم:

(۱) **چشمانم به من می‌گویند.** کتاب مقدس را باز می‌کنم و اولین آیه را می‌خوانم: «در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید» (پیدایش ۱: ۱). به اطرافم نگاه می‌کنم و خورشید و درختان و مردم را مشاهده می‌کنم. می‌دانم که همینطوری و به خودی خود بوجود نیامده‌اند. آنها بوسیله کسی که همه قدرت را در اختیار دارد خلق شده‌اند.

(۲) **عقلم به من می‌گوید.** وسط کتاب را باز می‌کنم و می‌خوانم: «قبل از آنکه دنیا را بیافرینی و کوهها را بوجود آوری، تو بوده‌ای. تو را ابتدا و انتهایی نیست» (مزمو ۹۰: ۲؛ ترجمه تفسیری). با استنباط عقلانی به این نتیجه می‌رسم کسی که این دنیای شگفت‌انگیز را خلق کرده است حتماً موجودی جاودانی است. او باید قبل از آفرینش جهان وجود داشته باشد.

(۳) **قلبم به من می‌گوید.** در آخرین صفحات این کتاب می‌خوانم که خدا می‌فرماید: «مقدس باشید چون که من قدوسم» (اول پطرس ۱: ۱۶). و با شناختی که از خودم دارم می‌دانم که بی‌گناه نیستم. خدایی که مرا خلق کرد بدون گناه است. می‌دانم که مرتکب کارهای اشتباهی شده‌ام. خدا از گناهان من متنفر است. قلبم این را به من می‌گوید.

(۴) زندگی ام به من می گوید. دوباره از این کتاب می خوانم، «خدا محبت است» (اول یوحنا ۴: ۸). و «... خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد» (یوحنا ۳: ۱۶). روزی، حتی آن موقعی که نمی فهمیدم، اما ایمان دارم که خدا مرا محبت می کرد. ایمان دارم که عیسای مسیح فرزند خدا است و او مرد و مجازات گناهان مرا پرداخت کرد. از او خواستم که گناه مرا ببخشد. و او را به عنوان نجات دهنده ام پذیرفتم و زندگی ام عوض شد. من کاملاً مطمئنم که این کتاب کلام خدا است، و از شما می خواهم که این کتاب و خدای زنده و حقیقی این کتاب را بشناسید.

چرا این کتاب نوشته شده است؟ کتاب مقدس به ما می گوید: «... ولی همین مقدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، همان مسیح و فرزند خداست و با ایمان به او زندگی جاوید بیابید» (یوحنا ۲۰: ۳۱؛ ترجمه تفسیری).

وقتی که به خداوند عیسی ایمان می آوریم، چه نوع «زندگی» دریافت می کنیم؟ همان نوع زندگی که او دارد یعنی زندگی جاودانی! این بدین معناست که ما برای همیشه با او در خانه شگفت انگیزش، آسمان زندگی خواهیم کرد. در درس بعدی، شما بیشتر درباره این خانه ابدی خواهید آموخت.



درس ۳: تصویر شماره ۱





درس ۳: تصویر شماره ۳



درس ۳: تصویر شماره ۴

درس چهارم خانه خدا

قسمت مورد مطالعه کلام: مکاشفه ۱: ۹-۱۸؛ ۴: ۱-۶؛ ۵: ۱۱-۱۳؛ ۲۱: ۱-۴، ۲۵

هدف درس: توضیح راه رسیدن به بهشت.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: عیسی مسیح این امکان را فراهم نموده است که افراد با ایمان آوردن به او، به بهشت بروند.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: اشتیاق برای قبول کردن عیسی به عنوان نجات‌دهنده خود.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند: به عیسی، فرزند خدا، ایمان بیاورید و او را به عنوان نجات‌دهنده‌تان بپذیرید.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. عیسی به آسمان، نزد خدا بر می‌گردد (اعمال ۱: ۹).

۲. بهشت مکانی زیباست (مکاشفه ۴: ۱-۶؛ ۵: ۱۱-۱۳).

۳. مردم از هر نژادی در آسمان حضور خواهند داشت (مکاشفه ۷: ۹-۱۲).

۴. همه چیز در آسمان کامل است (مکاشفه ۲۱: ۱-۴؛ ۲۵).

معلم گرامی:

بهشت چه مکان زیبایی باید باشد! تصور کنید که برای همیشه و همیشه و همیشه در آنجا زندگی کنید! این برکت برای کسانی است که به عیسی مسیح به عنوان پسر خدا ایمان آورده و به عنوان کسی که گناهانشان را بر خود گرفت، به او توکل کنند.

وقتی از شاگردانتان، آیه حفظی را می‌پرسید، از چند نفر بخواهید که مفهوم آیه را نیز بگویند تا بدانید چقدر آن را درک کرده‌اند.

«... به چه نوع شما از تنها به سوی خدا بازگشت کردید تا خدای حی حقیقی را بندگی نمایید.»

(اول تسالونیکیان ۱: ۹)

از شاگردان سوال کنید که آیا زندگی خود را به مسیح سپرده‌اند؟ مطمئن شوید که آنها می‌دانند که تنها راه رسیدن به او بوسیله ایمان آوردن به عیسی مسیح، پسر خدا است که مرد و مجازات گناه ایشان را بر خود گرفت. اگر آنها به این حقیقت ایمان بیاورند و اگر بخشش گناهانشان را بطلبند، می‌توانند مطمئن باشند که حیات جاودانی دارند.

مرور

خدای زنده کلامش را به ما بخشیده است. هیچ کتاب دیگری نظیر کلام خدا نیست.

بباید ببینیم که چقدر درسهای گذشته را بیاد داریم:

۱. خدا چند نفر را انتخاب نمود تا کلامش را بنویسند؟ (۴۰)
۲. چگونه این افراد در می یافتند که چه بنویسند؟ (خدا افکار خود را به ایشان الهام می کرد).
۳. آیا نویسندگان هنگام نوشتن کتابمقدس مرتکب اشتباه شده اند؟ (خیر!)
۴. چرا کلام خدا نوشته شد؟ (... ولی همین مقلد نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، همان مسیح و فرزند خداست و با ایمان به او زندگی جاوید بیابید) (یوحنا ۲۰: ۳۱؛ ترجمه تفسیری).

درس

۱. عیسی به آسمان، نزد خدا بر می گردد.

اعمال ۱: ۹

کتابمقدس درباره خدا، پسرش و آسمان یعنی خانه اش با ما صحبت می کند. آسمان مکان زیبایی است، بسیار شگفت انگیزتر از هر مکان دیگری که ما می توانیم تصور کنیم. اما بخاطر اینکه خدا می خواهد ما با او در خانه اش زندگی کنیم، پس مشتاقیم تا هر چه بیشتر درباره آسمان بدانیم. این درس به همین منظور آماده شده است. زمانی که عیسی در زمین زندگی می کرد، دوازده شاگرد داشت که با او همکاری می کردند. آنها می دیدند که او چگونه نابینایان را بینا می کرد، بیماران را شفا می داد و حتی مردگان را زنده می کرد! آنها دیده بودند که عیسی بر روی صلیب مرد. هر چند آنها در ابتدا نتوانستند این موضوع را درک کنند، اما بعد فهمیدند که او بره خدا بود و به این خاطر مجازات انسانها و حتی آنهايي که هنوز به دنیا نیامده بودند را بر خود گرفت. چون او فرزند خدا بود، مرگ او را متوقف نکرد. او دوباره برخاست. و شاگردانش با چشمان خودشان او را زنده دیدند. از آن به بعد او را به عنوان خداوند و خدایشان می شناختند (یوحنا ۲۰: ۲۸).

بعد از اینکه عیسی از میان مردگان برخاست، برایشان توضیح داد که کلام خدا با اینکه صدها سال قبل از تولد او نوشته شده بود، اما درباره او پیشگویی کرده است (لوقا ۲۴: ۲۷، ۴۴، ۴۵). او فرمود: بله، خیلی قبل از این، نوشته شده بود که باید رنج بکشم و بمیرم و روز سوم دوباره از میان مردگان برخیزم. این پیغامی است که به همه ملتها گفته می شود: «بخشش گناهان برای هر کسی است که به سوی من باز گردد» (لوقا ۲۴: ۴۶-۴۸).

تصویر شماره ۱۳ را نشان دهید.

چهل روز پس از برخاستنش از میان مردگان، در حالی که خداوند عیسی در حال گفتگو با شاگردانش بود، ناگهان به سوی آسمان بالا برده شد. بالا و بالاتر رفت تا زمانی که ابری او را از چشمان شاگردان مخفی نمود طوری که دیگر نتوانستند او را ببینند. عیسی خداوند این جهان را ترک کرد و به سوی پدر خویش و منزل پر جلالش، آسمان بازگشت.



۲. بهشت مکان زیبایی است.

مکاشفه ۴: ۱-۶؛ ۵: ۱۱-۱۳

تصویر شماره ۱۴ را نشان دهید.

همینطوری که شاگردان به آسمان خیره شده بودند، دو مرد سفیدپوش بالای سرشان ایستادند. و از شاگردان پرسیدند: «نزد پدر من، خدا، جا بسیار است. من می‌روم تا آنجا را برای شما آماده کنم. وقتی همه چیز آماده شد، باز خواهم گشت و شما را خواهم برد، تا جایی که من هستم شما نیز باشید. اگر غیر از این بود، به طور واضح به شما می‌گفتم» (یوحنا ۱۴: ۲، ۳)



او، پسر بی‌گناه خدا، بخاطر گناه جهان مرد. و با برخاستنش از میان مردگان، ثابت کرد که فرزند خداست. اکنون او به نزد پدر آسمانیش در خانه زیبایش بازگشته است. روزی او دوباره بر می‌گردد تا تمامی کسانی را که از آن او هستند برداشته به نزد خود به آسمان ببرد.

بهشت ... شبیه چیست؟ شاگردانش درباره آن حیرت‌زده بودند. آیا شما هم چنین احساسی دارید؟ کتاب خدا در مورد خانه خدا صحبت می‌کند. یکی از شاگردان مسیح (یوحنا) بخاطر اینکه برای مردم از مسیح می‌گفت، مجازات شد. افرادی که او را مجازات کردند، وی را تنها به جزیره‌ای به نام پطمس تبعید کردند. اگر چه او تنها در پطمس بود، اما خدا با وی بود. (مکاشفه ۱: ۹، ۱۰).

زمانی که یوحنا در پطمس سکونت داشت، خدا چیز بسیار فوق‌العاده‌ای برای او انجام داد. خدا به او نشان داد که بهشت چه طور جایی است. چون خدا به او الهام کرد، یوحنا هر چه را که دیده بود نوشت. و این قسمت از کتاب خدا (مکاشفه)، آخرین کتاب کتاب‌مقدس است.

یوحنا عیسی خداوند را در آسمان دید. خداوند را بسیار پر جلال‌تر از وقتی دید که بر روی زمین دیده بود. عیسی گفت: «و حال تا به ابد زنده‌ام، و کلیدهای مرگ و عالم مردگان را در دست دارم. هستم» (مکاشفه ۱: ۱۸).

یوحنا همچنین تخت خدا را دید. در اطراف تخت، رنگین کمان زیبایی به همراه هزاران فرشته قرار داشت. فرشتگان با صدای بلند می گفتند:

«از آن تخت بزرگ، رعد و برق برمی خاست و غرش رعد طنین افکن بود. در مقابل آن تخت، هفت چراغ نیز روشن بود. این هفت چراغ همان روح هفتگانه خدا هستند. در برابر تخت، دریای از بلور درخشان به چشم می خورد. چهار موجود زنده نیز در چهار گوشه تخت ایستاده بودند که در جلو و پشت سر خود، چشم داشتند... سپس در رویا، میلیونها فرشته را دیدند که گرداگرد تخت و موجودات زنده و رهبران روحانی جمع شده، و با صدای بلند این را می خوانند: "بره خدا که جانش را در راه نجات مردم قربانی کرد لیاقت دارد که صاحب قدرت و دولت، حکمت و قوت، حرمت و جلال و برکت باشد!"» (مکاشفه ۴: ۵-۶؛ ۵: ۱۱-۱۳).

۳. مردم از هر نژادی در آسمان

حاضر خواهند بود.

مکاشفه ۷: ۹-۱۲

تصویر شماره ۱۵ را نشان دهید.

یوحنا جمعیت بزرگی از مردم را دید، به حدی که قابل شمارش نبودند. آنها از هر نژاد و طایفه و زبان روی زمین بودند، که در کنار تخت و در حضور بره ایستاده بودند. مردم ردای سفیدی بر تن داشتند. آنها شاخه های زیتون در دست داشتند و به همدیگر می گفتند: «نجات ما از جانب خدا است کسی که بر تخت نشسته است و از جانب بره.» سپس فرشتگان و مردم با همدیگر خدای پدر و عیسی مسیح، پسرش را پرستیدند. مهمترین چیزی که باید بیاد آوریم این است که پسر خدا، بره خداست، کسی که برای گناه این جهان مرد.



۴. همه چیز در آسمان کامل است.

مکاشفه ۷: ۹-۱۲

یوحنا فریادی از طرف تخت شنید: «شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از آسمان ... پایین می آمد... شهری به زیبایی عروسی بود...» (مکاشفه ۲۱: ۱-۴؛ ۲۵).

تصویر شماره ۱۶ (۱) را نشان دهید.

فقط تصور کنید! در آسمان هرگز دندان درد نخواهید داشت.



تصویر شماره ۱۶ (۲) را نشان دهید.

در آسمان هرگز قحطی نخواهد بود.

تصویر شماره ۱۶ (۳) را نشان دهید.

در آنجا هیچ تصادفی رخ نخواهد داد، در خانه خدا نه بریدگی خواهد بود و نه کبودی. هیچ کسی نه به خودش و نه به کس دیگری صدمه نخواهد زد.

تصویر شماره ۱۶ (۴) را نشان دهید.

در آسمان گریه نخواهد بود.

تصویر شماره ۱۶ (۵) را نشان دهید.

آیا تا بحال پایتان زخم شده است؟ در خانه خدا هرگز چیزی شبیه این اتفاق نخواهد افتاد. در آنجا بیماری و درد نخواهد بود. اینها وعده‌های خدا هستند که یوحنا آنها را در کتاب خدا نوشت.

بہتر از همه این است که در خانه خدا هیچ گناهی نخواهد بود. نه دروغ، نه دزدی، نه عصبانیت، و نه هیچ چیز شبیه اینها دیده نخواهد شد. در خانه او، تمام آن کسانی خواهند بود که نامشان در دفتر حیات بره نوشته شده است. (این کتابی در آسمان است که در آن

اسم همه کسانی که عیسی مسیح خداوند را به عنوان نجات‌دهنده پذیرفته‌اند.)

آسمان خانه خدا است. خدای آفریننده آن را خلق کرده است. (مزمور ۹۶: ۵). پسر او حالا مشغول آماده کردن مکان‌هایی برای کسانی است که به او ایمان آورده‌اند (یوحنا ۱۴: ۱-۳).

آسمان برای همیشه و همیشه وجود خواهد داشت. آنانی که زندگی جاودانه را دریافت کرده‌اند (چون به پسر خدا ایمان دارند) تا ابد در آسمان زندگی خواهند کرد.

آسمان مکان مقدسی است. در آنجا هیچ گناهی نیست. نه رنجی و نه اشکی در آنجا خواهد بود.

آسمان مکان محبت است، بخاطر اینکه خانه خدای محبت است. عیسی خداوند، کسی که مجازات مرگی را که ما سزاوارش بودیم، بر خود گرفت و محبت خود را نسبت به ما ثابت کرد، در آنجا در آسمان است.

خدای پدر و خدای پسر می‌خواهند که تو هم با آنها در آسمان باشی. اگر ایمان بیاوری که عیسای خداوند پسر خدا است و اگر ایمان داشته باشی که او بخاطر گناه تو مرد و اگر عیسی مسیح خداوند را بپذیری، آنگاه نام تو در دفتر حیات بره نوشته خواهد شد. یعنی آسمان خانه بعدی تو خواهد بود.

اگر تا بحال عیسای خداوند را به عنوان نجات‌دهنده‌ات نپذیرفته‌ای، حالا این کار را انجام بده. آنگاه تو هم با همه آن کسانی خواهی بود که «از بتها بسوی خدا بازگشت کردند تا خدای زنده و حقیقی را خدمت کنند.»

معلم گرامی:

تا بحال شاگردان شما مطالب زیادی را در دفترهایشان نوشته و یا نقاشی کرده‌اند. بهتر است که دفترهایشان به خودشان پس داده شوند، به این امید که روزی این حقایق در قلبهایشان بطور دائمی نقش ببندند.



درس ۴: تصویر شماره ۱



درس ۴: تصویر شماره ۲



درس ۴: تصویر شماره ۳



درس ۴: تصویر شماره ۴